

قضیه ابوطالبی در پرتو موافقت‌نامه مقر و قاعده استاپل

سید فضل‌اله موسوی^۱

استاد گروه حقوق عمومی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

سید حسین موسوی‌فر

دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۹۳/۴/۲ - تاریخ تصویب: ۹۳/۹/۱۹)

چکیده

قضیه موسوم به ابوطالبی در راستای معرفی نماینده جمهوری اسلامی ایران به منظور مأموریت نمایندگی دائم این کشور نزد سازمان ملل متحد است که با عمل نامشروع و خلاف تعهدات کشور میزبان، یعنی ایالات متحده آمریکا، مواجه شد. در همین راستا، علاوه بر نقض صریح بخش‌های یازدهم و سیزدهم موافقت‌نامه مقر که تعهدی توأمان نسبت به سازمان ملل متحد و کشورهای عضو در آن مندرج است، ایالات متحده آمریکا در تناقض آشکار با عملکرد و رویه سابق خویش در راستای حسن نیت به عنوان کشور میزبان راه را برای استناد ذینفعان به قاعده مهم استاپل هموار نموده است. در این مقاله، ابعاد قراردادی و مسئله حسن نیت و متعاقب آن قابلیت استناد قاعده استاپل درباره قضیه ابوطالبی بررسی خواهد شد.

واژگان کلیدی

ابوطالبی، بخش یازدهم و سیزدهم موافقت‌نامه مقر، حسن نیت، قاعده استاپل، موافقت‌نامه مقر

مقدمه

قضیه موسوم به ابوطالبی در راستای عملی متناقض در قبال روال طبیعی و معمول روابط بین‌المللی و روابط بین کشور عضو و سازمان ملل متحد اتفاق افتاده است.

این قضیه زمانی مورد توجه و چالش حقوقی قرار گرفت که جمهوری اسلامی ایران در پی پایان مأموریت نماینده دائمی‌اش در سازمان ملل متحد، در چارچوب رویه همیشگی و معمول نظام ملل متحد نماینده جدید خود، یعنی آقای حمید ابوطالبی، را به دبیر کل سازمان ملل متحد و نیز به وزارت امور خارجه ایالات متحده آمریکا برای صدور ویزا و مراحل قانونی ورود دیپلمات ایرانی معرفی کرد.

اما درست در همین مرحله ساختار حکومتی کشور میزبان، یعنی ایالات متحده متشکل از کنگره، کاخ سفید و متعاقب آن، وزارت امور خارجه آن، در قالب مصوبه‌ای که به امضای رئیس جمهوری این کشور رسید، مانع از ورود نماینده دیپلماتیک ایران به خاک آمریکا شد. وزارت امور خارجه آمریکا دلایل ممانعت را از جمله قوانین مبارزه و سرکوب تروریسم و مصوبه اخیر کنگره ایالات متحده آمریکا اعلام کرد که در آن به بندی درباره در تهدید بودن امنیت ملی کشور میزبان استناد شده است.

بلافاصله ایران این اقدام ایالات متحده آمریکا را مغایر تعهدات مطلق این کشور در برابر کشورهای عضو و سازمان ملل متحد اعلام کرد و مسئله را نزد کمیته مربوطه در سازمان ملل متحد مطرح ساخت.

درباره تعهدات ایالات متحده آمریکا در قبال سازمان ملل متحد و حق مندرج در موافقت‌نامه مقرر که حاوی حقی صریح و انکارناپذیری برای دولت‌های عضو یا ثالث است، جای هیچ‌گونه شکی را نسبت به نقض تعهد قراردادی از سوی کشور مزبور باقی نمی‌گذارد. به‌علاوه، رویه ایجادشده ناشی از موافقت‌نامه مقرر و روابط میان سازمان ملل متحد و ایالات متحده آمریکا در زمینه نمایندگان دیپلماتیک کشورهای عضو، همه و همه مبین امکان طرح قاعده استاپل و استناد بدان علیه نقض‌های کشور میزبان است.

در این مقاله، ضمن بررسی مبانی حقوقی مورد استناد کشور میزبان و ایران، قضیه ابوطالبی را در قالب نظم و رویه حقوقی ملل متحد و حقوق بین‌الملل موجود بررسی می‌کنیم.

بررسی «ممانعت» در قالب موافقت‌نامه مقرر

ایالات متحده آمریکا در اقدامی مغرضانه و برخلاف تعهدات بین‌المللی خویش مرتکب عملی شده است که در نگاه نخست نقض فاحش موافقت‌نامه مقرر است.

نص صریح موافقت‌نامه مقر بین سازمان ملل متحد و ایالات متحده آمریکا هرگونه عدم صدور ویزا برای نمایندگان دیپلماتیک کشورهای عضو سازمان و خانواده‌هایشان را نه تنها منع کرده بلکه بر سرعت عمل و وضع نکردن قانون داخلی مغایر با موافقت‌نامه تأکید نموده است. پیش از این و در همین زمینه بخش یازدهم موافقت‌نامه اشعار داشته است:

«دولت فدرال و محلی حق نخواهند داشت هیچ‌گونه ممانعتی را نسبت به تردد به مقر سازمان ملل متحد و از آن (مقر) در رابطه با:

الف) نمایندگان اعضا یا مقامات سازمان ملل متحد و آژانس‌ها یا خانواده‌های آن‌ها تحمیل کنند...»

همچنین ذیل همان بخش اضافه می‌کند:

«امریکا مکلف به فراهم آوردن تمهیدات به منظور تسهیل در تردد است...» (General Assembly Resolution 162(II), 1947, Section 11).

اما حکم کلی و مطلق در خصوص تکلیف دولت ایالات متحده آمریکا نسبت به صدور ویزا در اسرع وقت و عدم تصویب قانون داخلی مغایر در بخش سیزدهم موافقت‌نامه مندرج است.

بخش سیزدهم موافقت‌نامه اذعان داشته است:

«قوانین و مقررات ایالات متحده نسبت به ورود بیگانگان به خاک این کشور در مورد افراد مندرج در بخش یازدهم اعمال نمی‌شود و کشور میزبان مکلف به صدور ویزا به افراد یادشده در بخش یازدهم است (General Assembly Resolution 162(II), 1947, Section 13).

همان‌گونه که در بندهای مربوط به بخش‌های یازدهم و سیزدهم موافقت‌نامه مقر ذکر شد، کشور میزبان یعنی ایالات متحده آمریکا به تعهد خویش نسبت به صدور ویزای بدون معطلی و مانع‌تراشی و از جمله عدم تصویب قانون مغایر داخلی عمل نکرده است. این تعهد نه تنها به نفع سازمان ملل بلکه با توجه به ماهیت و هدف موافقت‌نامه و تعهد به نفع نمایندگان کشورهای عضو نیز قابلیت استناد دارد.

در همین راستا، اعلامیه مشاور حقوقی سازمان ملل متحد خطاب به کمیسیون ششم مجمع عمومی مورد توجه است که بیان داشته اصول و قواعد معاهده عمومی ۱۹۴۶ اقبالی جهانی یافته است. وی این قواعد را بخشی از حقوق بین‌الملل حاکم بر روابط میان سازمان و دولت‌ها قلمداد کرده است (فلسفی، ۱۳۹۱: ۹۹۱-۹۹۲).

همچنین، طبق موضوع استحقاق شخصیت حقوقی بین‌المللی سازمان که با نظریه مشورتی درباره جبران خسارات وارده به کارکنان سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۹ بر آن صحنه گذاشته شد (Reparation For Injuries, 1947)، موافقت‌نامه منعقد بین سازمان و ایالات متحده ویزگی

معاهده بین‌المللی را دارد که متضمن حقی برای دول ثالث یعنی دول عضو ملل متحد است و قابلیت استناد دارد.

بنابراین، بر اساس ماده ۳۶ کنوانسیون وین حقوق معاهدات و نص ذکرشده در بخش‌های یازدهم و سیزدهم موافقت‌نامه مقرر این موافقت‌نامه در زمینه اعطای سریع ویزا به نماینده دیپلماتیک ایران و عدم تصویب قانون مغایر داخلی مورد نقض آشکار قرار گرفته است و مسئولیت بین‌المللی کشور میزبان در برابر ایران و سازمان توأمان قابل طرح است (Commentary on Draft Articles on Responsibility of States, 2001: 49).

شایان ذکر است که در قضیه ابوطالبی رایزنی و واکنش دبیر کل ملل متحد نسبت به تخلف قراردادی و رویه‌ای ایالات متحده آمریکا بسیار مهم است که متأسفانه با کناره‌گیری و عدم بیان موضع صریح مقامات سازمان مواجه شده است!

بنابراین، جمهوری اسلامی ایران بر اساس حق ایجادشده در مفاد موافقت‌نامه مقرر و رویه ثابت و تثبیت شده پس از آن تا قضیه ابوطالبی که بسیار خارق‌العاده می‌نماید، حقی مسلم نسبت به پذیرش نماینده دیپلماتیک خویش نزد سازمان ملل متحد دارد و نتیجه چنین حقی بدون شک قابلیت استناد به قاعده استاپل در برابر دولت ایالات متحده آمریکا است.

تخلف ایالات متحده از تعهدات سابقه بر اساس قاعده استاپل^۱

ایالات متحده آمریکا در زمینه عدم صدور ویزا برای نماینده دیپلماتیک ایران و تصویب قانون مغایر داخلی، چنانکه در بالا بدان اشاره شد، نه تنها قرارداد و تعهدات خویش در مقابل سازمان ملل متحد و یک کشور عضو، یعنی جمهوری اسلامی ایران، را نقض کرده بلکه اصل حسن نیت و وفای به عهد را نیز مخدوش کرده است. این بدان معناست که ایالات متحده رویه‌ای روشن را که طبق حسن نیت و اصل وفای به عهد است انکار کرده است و این یعنی به قاعده استاپل درباره رفتار کشور میزبان در قضیه ابوطالبی استناد و توجه می‌شود. حال لازم است ابتدا اصل حسن نیت و قاعده استاپل را که برگرفته از آن است بررسی کنیم و سپس در رویه ایالات متحده آمریکا و در راستای قضیه ابوطالبی بسنجیم.

اصل حسن نیت

«حسن نیت را می‌توان جوهر درستکاری، التزام معنوی به رعایت مقررات حقوقی و وفای به عهد و پیمان دانست (D'Amato, 1992: 599-601) که در مفهوم سلبی خود به معنای خودداری از حیله، اغفال و پنهانکاری در روابط حقوقی است» (فلسفی، ۱۳۹۱: ۵۶۱).

1. Estoppel Rule.

حسن نیت همچون اصلی عام بخشی از حقوق بین‌الملل را شامل می‌شود.^۱ در اصل، حسن نیت عامل محدودکننده حاکمیت کشورهاست و برای روابط سالم بین‌المللی اجتناب‌ناپذیر است (Reinhold, 2013: 1-2).

در واقع، در نظم حقوقی بین‌المللی دو نوع اصول متصور است: اول، اصول راهنما که عبارت است از مبانی اجتماعی روابط مانند اصل وفای به عهد که اگر رعایت نشود معاهده (یا تعهدی) اجرا نمی‌شود و دوم، اصول مصحح که قاعده را در زمان و بر اساس مقتضای عدالت تفسیر و اجرا می‌کند و ضامن نظم اجتماعی است که اصل حسن نیت در تحلیل نخست در قالب اصول مصحح در حقوق بین‌الملل نمایانگر است (فلسفی، ۱۳۹۲).

اصل حسن نیت بر تمامی روابط حقوقی بین‌المللی، به‌ویژه روابط حقوقی سازمان‌های بین‌المللی با دولت‌های عضو یا روابط حقوقی دولت‌ها با یکدیگر، سیطره دارد و در واقع به معنای درستکاری و پاکدستی و وفای به عهد تابعان حقوق است (فلسفی، ۱۳۹۱: ۴۵۳).

اکثر علمای حقوق بین‌الملل (Annuaire de l'Institut de droit international, 1956, t. 46, pp. 333, 338, 340؛ فلسفی، ۱۳۹۱: ۵۶۱)، رویه قضایی بین‌المللی (Lancing, 1911: 1-31)، و جمع‌کنندگی از دولت‌ها ماهیت حقوقی این اصل را تأیید کرده‌اند (فلسفی، ۱۳۹۱: ۵۶۱). همچنین مجمع عمومی سازمان ملل متحد در اعلامیه اصول حقوق بین‌الملل درباره روابط دوستانه و همکاری میان دولت‌ها بر اساس منشور، این اصل را در زمره حقوق بین‌الملل قرار داده است (General Assembly Resolution 3314, 1974).

در نتیجه، اصل حسن نیت به همان اندازه که برای تفسیر مضمون کلی قرارداد اهمیت دارد، در تفسیر اراده طرف‌های آن نیز سهمی مؤثر دارد. بدین ترتیب، این اصل، هم حافظ اعتماد جمعی است و هم ضامن اعتماد فردی (فلسفی، ۱۳۹۰: ۴۲۰).

اما قاعده استاپل درون اصل حسن نیت جا دارد و حاکی از رویه‌ای مصرح و شفاف و بر اساس حسن نیت سابقه است که اکنون مجری آن مقرر آن را انکار کرده است. به‌اجمال، درباره رابطه قاعده استاپل و اصل حسن نیت می‌توان بیان داشت که:

«رشد و نمو قاعده استاپل در مبانی عرفی به‌منظور تشویق برای حفظ شأن حسن نیت سابق و ارتقای اقداماتی برای حفظ ثبات حقوقی در میان کشورهاست» (McGibbon, 1958: 513).

قاعده استاپل در قضیه ابوطالبی

در واقع، درباره استاپل صحبت از کنش یا حقی است که از قبل به‌طور صریح یا ضمنی یا از

1. As a 'general principle', good faith forms part of the sources of international law.

سوی کشوری ابراز شده است و کشور دیگر ضمن گرفتن آن حق به آن تکیه کرده و نوعی امنیت و امتیاز را برای خویش در رابطه با کشور ابرازکننده قائل است (Kaczorowska, 2010: 274-275).

دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه حق عبور بی‌ضرر، اصل استاپل را اینگونه تعریف می‌کند:

«(استاپل) یعنی طرفی که در وضعیتی خاص موضوعی را پذیرش یا تأیید کرده است، حق نخواهد داشت آن را (در برابر ذی‌حق) مخدوش سازد» (Shaw, 2008: 102).

به اعتقاد ملکم شاو استاپل هم‌چنین فقط در مورد کشورها و سازمان‌های بین‌المللی قابلیت استناد ندارد، بلکه در روابط اشخاص حقیقی نیز در صحنه بین‌المللی قابل طرح است (Ibid, 2008: 261).

به‌علاوه، باوت، از دیگر متفکران حقوق بین‌الملل، نیز بیان داشته است:

«استاپل تکنیکی حقوقی است و آن در موضعی است که کشوری نسبت به عدم تغییر وضعیت (تثبیت‌شده) درباره کشور دیگر رضایت داده باشد» (Ibid, 2008: 261).

به‌هرحال، ممنوعیت انکار بعد از اقرار (استاپل) بر مبنای اصل حسن نیت - اعتماد به وجود آمده است (فلسفی، ۱۳۹۰: ۴۲۴).

در ابتدا به استاپل، مانند سایر اصول و قواعد حقوق بین‌الملل در این حوزه، توجهی نشده است (Mc Nair, 1924: 17)؛ مهمترین توجیه نسبت به عدم استناد به قاعده استاپل در زمان گذشته بی‌میلی طرفین دعوا و دیوان‌ها و محاکم بین‌المللی در تبیین این قاعده بوده است. با این حال، پس از اقبال نهادهای مزبور بین‌المللی، زمینه برای توجه نوین به قاعده استاپل فراهم شده است (McGibbon, 2014: 1).

بنابراین، استاپل بدون شک قاعده‌ای مربوط به حقوق بین‌الملل عام است که وسیله‌ای انعطاف‌پذیر و قدرتمند در نظام رویه‌ای دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری و دیوان بین‌المللی دادگستری است (Ovcar, 2009: 1).

این قاعده از جمله در قضیه معبد (Preah Vihear Temple Case, 2013)، آزمایش‌های اتمی (Nuclear Tests case, 1974: 253) و اختلافات تحدید حدودی لیبی علیه چاد مطرح شده است (Territorial Dispute, 1994: 78).

در واقع، عناصر تشکیل‌دهنده قاعده استاپل در حقوق بین‌الملل عام عبارتند از: صریح و واضح بودن، بدون قید و شرط بودن (عمل یا تعهد سابق)، بر اساس رویه معمول و حسن نیت ابرازشده در قبل نسبت به طرف یا طرفین تعهد (Wagner, 1996: 1779-1880).

قاعده استاپل به معنای نفی یا انکار رویه شفاف قبلی از سوی ایالات متحده آمریکا در قضیه ابوطالبی بسیار واضح و نمایان است (D'amato, 2010:8).

این بدان معناست که کشور میزبان طی سال‌های پس از تشکیل سازمان ملل متحد تا کنون هرگز موردی نداشته است که از ورود نماینده کشوری به سازمان ملل متحد جلوگیری کند و حتی قانونی داخلی و مغایر با تعهد مندرج در موافقت‌نامه مقر تصویب نماید.

موضوع فوق تا حدی بدیع و ناشیانه است که رئیس کمیته ارجاعی شکایت ایران از اقدام ایالات متحده آمریکا نیز در جلسه بررسی شکایت ایران این عمل آمریکا را حرکتی جدید و بدون سابقه در روابط میان سازمان و یک کشور عضو و کشور میزبان قلمداد کرده و در اظهار نظری غیرمسئولانه موضوع را به روابط دوجانبه ایران و آمریکا احاله داده است.

البته می‌بایست قبل از بررسی انطباق یا عدم انطباق عمل آمریکا با قاعده استاپل استنادات آمریکا در رابطه با عدم صدور ویزا برای آقای ابوطالبی به‌طور اجمالی بررسی شود.

بر اساس مصوبه مورخ ۸ آوریل ۲۰۱۴ به شماره S.2195 کنگره ایالات متحده آمریکا که توسط سناتور نانسی ازیکسون تنظیم شده است (Nancy Ericsson, 2014)، رئیس جمهوری ایالات متحده آمریکا موظف شده است تا از طریق وزارت امور خارجه این کشور افراد متهم به جاسوسی و فعالیت‌های تروریستی را که برای امنیت ملی ایالات متحده آمریکا تهدید به شمار می‌آیند به خاک این کشور راه ندهد.

فارغ از غیرقانونی بودن این مصوبه در مواجهه با موافقت‌نامه مقر که کشور میزبان متعهد به آن است، اطلاق موجود در مصوبه که حتی به نمایندگان دیپلماتیک و روابط بین سازمان ملل متحد و دولت‌های عضو آن ضربه می‌زند نیز بسیار چالش‌برانگیز می‌نماید.

بر این اساس، ایالات متحده آمریکا به استناد اینکه آقای حمید ابوطالبی نماینده معرفی شده جمهوری اسلامی ایران به سازمان ملل متحد در واقعه گروگان‌گیری سفارت کشور آمریکا در سال ۱۹۷۹ حضور داشته است، پس از گذشت سی و پنج سال هنوز هم فعالیت تروریستی علیه منافع ایالت متحده آمریکا انجام داده است و بنابراین در چارچوب مصوبه اخیر و قوانین مرتبط ضد تروریستی و یک‌جانبه این کشور، آقای ابوطالبی تهدیدی برای امنیت ملی دولت میزبان بوده است و حق ورود به خاک کشور مزبور را نخواهد داشت.

هم در اینجا است که یک‌جانبه‌گرایی ایالات متحده آمریکا در مواجهه با تکالیف و تعهداتش نسبت به سازمان ملل متحد و دیگر کشورهای عضو نمایان می‌شود. به‌علاوه، این مسئله پدیده‌ای است که حتی در اوج دوران جنگ سرد مصداقی نداشته است و می‌تواند دالانی برای ورود دخالت‌های آشکار و پنهان بیشتر در امور ملل متحد باشد.

1. To deny admission to the United States to any representative to the United Nations who has been found to have been engaged in espionage activities or a terrorist activity against the United States and poses a threat to United States national security interests.

اما به راستی با فرض وجود حق محدودکننده برای ایالات متحده آمریکا در رابطه با امنیت ملی کشور مزبور، آیا عمل ایالات متحده آمریکا در تروریستی خواندن فعالیت‌های آقای ابوطالبی قصاص پیش از ارتکاب جرم نیست؟ آیا در کدام دادگاه عادلانه داخلی یا بین‌المللی و بر اساس کدام دادرسی منصفانه‌ای آقای ابوطالبی تروریست است و حق نخواهد داشت نمایندگی کشورش را بر عهده بگیرد؟

در این موضع بی‌منطقی و بی‌مسئولیتی ایالات متحده آمریکا بیشتر آشکار می‌شود و راه دشوار اثبات ادعاهایش از نظر می‌گذرد.

با این وصف اکنون ما به‌اجمال به بررسی عمل مذکور آمریکا در انطباق با رویه قبلی و تعهداتش می‌پردازیم.

ایالات متحده آمریکا با تصویب قانون مصوب کنگره این کشور که شرح آن گذشت، با تفسیری موسع از فعالیت‌های تروریستی علیه منافع آمریکا در رابطه با نماینده دیپلماتیک جمهوری اسلامی ایران به وضوح موجب نقض تعهدات مصرح موافقت‌نامه مقرر در قبال سازمان ملل متحد و کشورهای عضو از جمله ایران شده است.

همچنین، بر اساس اصل عام و مورد قبول حسن نیت و قاعده منبعث از آن یعنی قاعده استاپل با توجه به تعهد قراردادی و رویه موجود قبلی ایالات متحده آمریکا با اقدام به ممانعت از ورود نماینده یک دولت عضو ملل متحد مرتکب انکار یا نقض عمل صحیح و برابر تعهد سابق خود شده که بر اساس اصل حسن نیت و وفای به عهد بوده است. بنابراین، ایالات متحده آمریکا بر اساس قاعده استاپل که نسبت به تعهد و رویه شفاف قبلی حالتی ثانوی دارد، نمی‌تواند به استمرار تخلف از ورود نماینده دیپلماتیک ایران به سازمان ملل متحد ادامه دهد و مسئولیت بین‌المللی آن در کمیته ویژه و فرایندهای سیاسی و قضایی نظام ملل متحد قابل طرح است. البته بدیهی است توفیق در این زمینه به مواضع سازمان ملل متحد و اصرار آن به دفاع از اعضا و صیانت از استقلالش بستگی بسیار زیادی دارد. قضیه ابوطالبی می‌تواند آزمونی مهم و سرنوشت‌ساز در عملکرد سازمان ملل متحد به‌منظور جلوگیری از این قبیل اقدامات یک‌جانبه‌گرا باشد.

نتیجه

با امعان نظر بر سند موافقت‌نامه مقرر و مصوبه غیرمنطقی کنگره ایالات متحده آمریکا و استندهای این کشور درباره عدم صدور ویزا برای نماینده ایران در سازمان ملل متحد، موسوم به قضیه ابوطالبی، تخلف دولت میزبان از موافقت‌نامه نسبت به سازمان ملل متحد و کشور منتفع ثالث موافقت‌نامه مزبور یعنی جمهوری اسلامی ایران واضح و قطعی است.

از سویی رویه ایالات متحده آمریکا و روابط این کشور به عنوان دولت میزبان با سازمان ملل متحد حتی در دوره بسیار حساس جنگ سرد برابر تعهدات مقرر این کشور بوده است و اقدام اخیر این کشور در تصویب مصوبه متعارض و ناقص موافقت‌نامه مقر و رویه صحیح سابقه آن به‌وضوح مخالف اصل حسن نیت و وفای به عهد است که به‌ترتیب از اصول مصحح و راهنمای نظم حقوقی بین‌المللی گرفته شده است.

هم در اینجا است که قاعده استاپل علیه ایالات متحده آمریکا قابل استناد است و موضوعیت پیدا می‌کند. بنابراین، شایسته است جمهوری اسلامی ایران به‌سهولت از این قضیه عبور نکند و به تمامی ظرفیت‌های حقوقی و سیاسی به‌منظور برخورد با یک‌جانبه‌گرایی و مداخله در امور داخلی سازمان ملل متحد و با همکاری این مرجع توجه جدی کند.

به‌علاوه، عملی بسیار حساب‌شده و دقیق حقوقی و سیاسی در سطح بین‌المللی از سوی جمهوری اسلامی ایران که از قضا هم اکنون ریاست جنبش عدم تعهد را بر عهده دارد، می‌تواند گشاینده راهی پرفروغ و عبرت‌آمیز برای کشورهای مستقل و مستکبر باشد، اما به نظر می‌رسد دولت جمهوری اسلامی ایران به دلایل سیاسی و نه حقوقی با انتصاب آقای ابوطالبی به سمت معاونت سیاسی نهاد ریاست جمهوری و اعزام آقای خوشرو به نمایندگی ایران در سازمان ملل متحد (هر چند با بیانیه‌ای اعتراضی از سوی ایران همراه بود) به‌طور تلویحی از این حق خود اعراض کرده و با تصمیم ایالات متحده آمریکا مصالحه نموده است. این مسئله ممکن است در بلندمدت تبعات سنگین‌تری داشته باشد و برخوردهای غیرحقوقی و خلاف عرف بین‌المللی علیه منافع ایران را تشدید کند.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

۱. فلسفی، هدایت‌الله (۱۳۹۱)، حقوق بین‌الملل معاهدات، تهران: فرهنگ نشر نو.
۲. فلسفی، هدایت‌الله (۱۳۹۲)، تقریرات حقوق بین‌الملل معاهدات، تهران: دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، سال تحصیلی.
۳. فلسفی، هدایت‌الله (۱۳۹۰)، صلح جاویدان و حکومت قانون، تهران: نشر نو، آسیم.

ب) خارجی

4. General Assembly Resolution 162(II) (1947), "Agreement Between United Nations and United States of America Regarding the Head Quarters of the United Nations".
5. Annuaire de l'Institut de droit international (1956), t. 46, pp. 333 (:Alfaro), 338 (:Sir G. Fitzmaurice), 430-341 (: Ripert), 344 (: Basdevant).
6. Case Concerning The Temple Of Preah Vihear (1962), (Cambodia V. Thailand) Merits.
7. D'Amato, Anthony (1992), "Good Faith", in: Encyclopedia of public international law.
8. D'Amato, Anthony.(2010), "Consent, Estoppel, and Reasonableness: Three Challenges to Universal International Law, Faculty". Working Papers. p.102.

9. General Assembly Resolution 3314(1974), "Declaration on the Principles of International Law Concerning Friendly Relations and Cooperation among States in Accordance with the Charter of the United Nations".UN Doc. GA/RES/2625(XXV) 1970.
10. Kaczorowska, Alina (2010), Public International law, Fourth edition, London: Rutledge Publications.
11. Lansing, R. (1911), "The North Atlantic Coast Fishers Arbitration", The American Journal Of International Law, 4(1).
12. MC Gibbon, 'Estoppel in International Law' (1958), International and Comparative Law Quarterly,7(3), 468-513.
13. MC Nair, (1924), "The Legality of the Occupation of the Ruhr," British Year Book of International Law.
14. Nancy Ericsson (2014), 113th Congress 2d Session, S.2195, In The House Of Representatives April 8, 2014 Referred To The Committee On The Judiciary, Passed The Senate.
15. Nuclear Tests (1974), (Australia v France) (Judgment) ICJ Rep 253.
16. Ovchar, Alexander. (2009), "Estoppel in the Jurisprudence of the ICJ A principle promoting stability threatens to undermine it", Bond Law Review, Volume 21(1) .
17. Reinhold, Steven (2013), Good Faith In International Law, Bonn Research Papers On Public International Law Paper No 2/2013.
18. Reparation For Injuries Suffered In The Service Of The United Nations, Reports Of Judgments, Advisory Opinions And Orders (1949), ICJ Rep, 174-205.
19. Request For Interpretation Of The Judgment Of 15 June 1962 In The Case Concerning The Temple Of Preah Vihear (Cambodia V. Thailand) ,(Cambodia V. Thailand), (2013).
20. Shaw Qc, Malcolm N (2008), International Law, Sixth edition, Cambridge: Cambridge University Press.
21. Territorial Dispute (1994), (Libyan Arab Jamahiriya v Chad) (Merits) ICJ Rep 6, 78 (Separate Opinion of Judge Ajibola) .
22. The Draft Articles on Responsibility of States for International Wrongful Acts with Commentaries (2001), in Year book of International Law Commission of United Nations, Vol.2, 34-180 .
23. Wagner, Megan L. (1996), "Jurisdiction by Estoppel in the International Court of Justice", California Law Review, 74(5).

Archive.org